

امام جواد(ع)؛ الگویی برای جوانان اهل علم

امام جواد(ع) در سنین نوجوانی عالم ترین و آگاه ترین دانشمند عصر خود بود و مردم از دور و نزدیک به حضورش شتافته و پاسخ مشکلات علمی خود را از ایشان دریافت می کردند.



امام جواد(ع) در سنین نوجوانی عالم ترین و آگاه ترین دانشمند عصر خود بود و مردم از دور و نزدیک به حضورش شتافته و پاسخ مشکلات علمی خود را از ایشان دریافت می کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر، در دنیای امروز که دنیای علم و دانش است و وادی علوم بیش از هر وادی دیگری حتی مباحث مادی و اقتصادی گرم است، قطعاً محتاج به الگویی کاملاً صریح و روشن بخصوص برای جوانان شیعی و مسلمان می باشیم که با بهره گیری از سیره و منش و روش آن الگو، راه حق را سریعتر و راحت تر و با آگاهی وافیه و شافی ای بپیمایند. اکنون وجود ذی جود امام جواد (ع) در میان ما شیعیان و حتی در عالم اسلام و خارج از قید مذهب فرصت بسیار مغتنمی است که حضرتش را به عنوان الگو و نمونه ای متعالی برای افراد طالب علم معرفی نماییم.

اکنون یک نمونه از احاطه بی حدّ و حصر امام محمد بن علی (ع) یعنی امام جواد بر علوم مختلفه را متذکر می گردیم تا برخی مغرضان بد سگال و بد دل اشکال نکنند که مگر خود امام چقدر در وادی علم و دانش حضور داشت که حال الگو باشد؟!

امام جواد(علیه السلام) در مقام رهبری امت اسلام، به عنوان الگوی دانشمندان جوان چنان در عرصه علم و دانش درخشید که دوست و دشمن را به تعجب و شگفتی واداشت. گفتگوها، مناظرات، پاسخ به شبهات عصر، گفتارهای حکیمانه و خطابه های آن گرامی، گواه روشنی بر این مدعاست.

علی بن ابراهیم از پدرش نقل کرده است که: بعد از شهادت امام رضا(علیه السلام) ما به زیارت خانه خدا مشرف شدیم و آنگاه به محضر امام جواد (علیه السلام) رفتیم. بسیاری از شیعیان نیز در آنجا گرد آمده بودند تا امام جواد(علیه السلام) را زیارت کنند. عبدالله بن موسی عموی حضرت جواد(علیه السلام) که پیرمرد بزرگواری بود و در پیشانی اش آثار عبادت دیده می شد، به آنجا آمد و به امام جواد(علیه السلام) احترام فراوانی کرده و وسط پیشانی حضرت را بوسید.

امام جواد(ع) در سنین نوجوانی عالم ترین و آگاه ترین دانشمند عصر خود بود و مردم از دور و نزدیک به حضورش شتافته و پاسخ مشکلات علمی خود را از ایشان دریافت می کردند.

امام نهم بر جایگاه خویش قرار گرفت. همه مردم به علت خردسال بودن حضرت با تعجب به همدیگر نگاه می کردند که آیا این نوجوان می تواند از عهده مشکلات دینی و اجتماعی مردم در جایگاه رهبری و امامت آنان برآید؟! مردی از میان جمع بلند شده از عبدالله بن موسی، عموی امام جواد(علیه السلام) پرسید: حکم مردی که با چهارپایی آمیزش نموده است چیست؟ و او پاسخ داد: بعد از قطع دست راست اش به او حد می زنند.

امام جواد(ع) با شنیدن این پاسخ ناراحت شد و به عبدالله بن موسی فرمود: عمو جان از خدا بترس! از خدا بترس! خیلی کار سخت و بزرگی است که در روز قیامت در برابر خداوند متعال قرار بگیری و پروردگار متعال بفرماید: چرا بدون اطلاع و آگاهی به مردم فتوا دادی؟ عمویش گفت: سرورم! آیا پدرت - که درود خدا بر او باد - این گونه پاسخ نداده است؟!

امام جواد(ع) فرمود: از پدرم پرسیدند: مردی قبر زنی را نبش کرده و با او درآمیخته است، حکم این مرد فاجر چیست؟ و پدرم در پاسخ فرمود: به خاطر نبش قبر، دست راست او را قطع می کنند و حد زنا بر او جاری می گردد، چرا که حرمت مرده مسلمان همانند زنده اوست.

عبدالله بن موسی گفت: راست گفתי سرورم! من استغفار می کنم. مردم حاضر، از این گفت و شنود علمی شگفت زده شدند و گفتند: ای آقای ما! آیا اجازه می فرمایید مسائلی و مشکلات خودمان را از محضران بپرسیم؟ امام جواد (ع) فرمود: بلی. آنان سی هزار مسئله پرسیدند و امام جواد(ع) بدون درنگ و اطمینان کامل همه را پاسخ گفت. این گفتگوی علمی در نه سالگی حضرت رخ داد.(۱)

امام جواد(ع) در سنین نوجوانی عالم ترین و آگاه ترین دانشمند عصر خود بود و مردم از دور و نزدیک به حضورش شتافته و پاسخ مشکلات علمی خود را از ایشان دریافت می کردند.

اعتراف دانشمندان موافق و مخالف به دانش اعلای امام(ع):

بعد از بیان این خبر ماثوره که سطح والا و اعلای امام(ع) را شرح داد اینک نظر برخی از دانشمندان مخالف و موافق را در این زمینه با هم می خوانیم تا بیش از پیش از انوار وجود مقدس امام جواد(ع) مطلع و مستفیض گردیم:

ابن حجر هیثمی در کتاب الصوائق المحرقة می گوید: مأمون او را به دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت.

شبلنجی در نورالابصار آورده است: مأمون پیوسته شیفته او بود، زیرا با وجود سن اندک، فضل و علم و کمال خود را نشان داده و برهان عظمت خود را آشکار ساخت.

جاحظ معتزلی که از مخالفان خاندان علی(علیه السلام) بود، به این حقیقت اعتراف کرده است که: امام جواد(علیه السلام) در شمار ده تن از «طالیان» است که هر یک از آنان عالم، زاهد، عبادت پیشه، شجاع، بخشنده، پاک و پاک نهادند و هیچ یک از خاندان های عرب دارای نسب شریفی همانند امامان شیعه نیست. (۲) فتال نیشابوری نیز می گوید: مأمون شیفته او شد، چون مشاهده کرد که آن حضرت با سن کم خود، از نظر علم و حکمت و ادب و کمال عقلی، به چنان رتبه والایی رسیده که هیچ یک از بزرگان علمی آن روزگار بدان پایه نرسیده اند. (۳)

بیان خود امام جواد(ع) در توضیح علم خویش:

امام محمد تقی(علیه السلام) خود نیز گاهی به علم و دانشی که خداوند ارزانی اش داشته بود، اشاره کرده و می فرمود: «منم محمد فرزند رضا! منم جواد! منم دانا به نسب های مردم در صلب ها، من داناترین کس هستم که رازهای ظاهری و باطنی شما را می دانم و از آنچه که به سویی روانه هستید آگاهم! این علمی است که خداوند متعال قبل از آفرینش تمامی مخلوقات جهان به ما خانواده عنایت کرده است. این دانش سرشار تا پایان جهان و بعد از فانی شدن آسمان ها و زمین نیز باقی خواهد ماند.

اگر غلبه اهل باطل و حکومت ناحق گمراهان و هجوم اهل شک و تردید نبود، هر آینه سخنی می گفتم که همه اهل جهان از گذشتگان و آیندگان ناباورانه انگشت حیرت به دهان می گرفتند»؛ سپس دست مبارک خود را بر دهان گذاشته و فرمود: «یا محمد اصمت کما صمت آباؤک من قبل؛ ای محمد خاموش باش! همچنان که پدران قبل از تو سکوت را برگزیده اند.» (۴)

پس ای طلاب علم ودانش در سازمان های علمی چون حوزه ها ، دانشگاهها، موسسات تحقیقی و پژوهشی و...الگوی خود را دریابید !

درپایان به علم آموزی جوان مسلمان از منظر امام جواد(ع) نیز پرداخته ایم تا از نصایح خود حضرتش نیز بهره وافر برده باشیم :

از منظر امام جواد(علیه السلام) شایسته است که یک جوان مسلمان به علم و دانش روی آورد و آن را به عنوان مونس و یار مناسب برای خود برگزیند، دوستان خود را بر اساس بینش و دانش انتخاب کند و شخصیت اجتماعی خود را به وسیله دانش و علم مشخص سازد، برای مجالس و دیدار دیگران علم هدیه برد و در تنهایی و غربت و سفر، علم و دانش را بهترین همسفر و مونس خود بداند، چرا که علم و دانش، سرچشمه تمام کمالات و ریشه همه پیشرفت هاست.

حضرت جوادالائمه علیه السلام، علم را دو قسمت کرده و می فرمود: علم و دانش دو نوع است: علمی که در وجود خود انسان ریشه دارد و علمی که از دیگران می شنود و یاد می گیرد. اگر علم اکتسابی با علم فطری هماهنگ نباشد، سودی نخواهد داشت. هر کس لذت حکمت را بشناسد و طعم شیرین آن را بچشد، از پیگیری آن آرام نخواهد نشست. زیبایی واقعی در زبان (و گفتار نیک) است و کمال راستین در داشتن عقل. (۵)

امام محمد تقی(علیه السلام) علم و دانش را یکی از مهمترین عوامل پیروزی و رسیدن به کمالات معرفی می کرد و به انسان های کمال خواه و حقیقت طلب توصیه می نمود که در راه رسیدن به آرزوهای مشروع و موقعیت های عالی دنیوی و اخروی از این نیروی کارآمد بهره لازم را بگیرند. آن گرامی می فرمود: «أربع خصالٍ تعین المرء علی العمل: الصّحة والغنی و العلم و التّوفیق» (۶)؛ چهار عامل موجب دستیابی انسان به اعمال (صالح و نیک) است: سلامتی،

توانگری، دانش و توفیق(خداوندی).»

با توجه به سخنان آموزنده امام جواد(علیه السلام) در عرصه علم و دانش بر همگان و از جمله جوانان لازم است از فرصت جوانی بهره گرفته و خود را به این خصلت زیبای انسانی بیارایند و کسب معرفت و علم را سرلوحه برنامه های زندگی خود قرار دهند.

منابع :

۱- بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۵۰، ص ۸۵.

۲- سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، مؤسسه امام صادق(علیه السلام)، قم، ۱۳۸۱ ش، ص ۵۵۵.

۳- روضة الواعظین، محمد فتال نیشابوری، نشر رضی، قم، ج ۱، ص ۲۳۷.

۴- بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۰۸.

۵- کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۳

۶- معدن الجواهر، ابوالفتح کراچکی، کتابخانه مرتضویه، تهران، ۱۳۹۴ ق، ص ۴۱